

حضرت علی(ع) در مقابله با نظامی گری



چکیده سخنرانی شب شهادت امیرالمومنین(ع) سال ۹۷ + فایل صوتی + گزارش شفقتنا

شگفت آور است که آن حضرت متهم می شود که "دانش جنگ" ندارد: «لا علم له بالحرب» (خطبه ۳۷) در حالیکه امام دانش جنگ داشت ولی با نظامی گری مخالف بود. نظامی گری یا میلیتاریسم سرنوشت همه مسائل را بدست نظامیان می‌دهد و دست آنان را در همه امور حکومت از اقتصاد و تجارت تا فرهنگ و قضاوت باز میگذارد و قدرت نظامی را در صدر می‌نشانند و همه گره‌ها با آن باز می‌کند ولی امام (ع) در امور نظامی، روش دیگری داشت: ۱- از نظر امام، نظامی باید پاکترین و شریفترین انسانها باشد، کسی که بر خشمش مسلطتر و از دیگران بردبارتر و عذر پذیرتر: «افضلهم حلما .. لا یتیره العنف» (عهدنامه مالک) ولی نظامی گرایان می‌خواستند سفاکترین افراد مانند بسر بن ارطاه را بکارگیرند که برای هر جنابیتی آماده باشد. ۲- امام در مدیریت حکومت از بکارگیری زور و اجبار پرهیز داشت و حتی اجازه نمی‌داد به زور افراد را بجنگ بیاورند: «فان المتکاره مغیبه خیر من مشهده» (نامه ۴) ولی در نظامی گری جایی برای آزادی مردم وجود نداشت و جنگ با اجبار و تحمیل همراه بود. ۳- نظامی گری اقتضای قدرت مطلقه نظامیان را داشت و حتی برای حفظ اقتدارشان میبایست از ظلمشان در حق مردم چشم پوشی شده و پرونده شان محرمانه مختومه میشد ولی امام (ع) رسماً به فرمانداران و مأموران دولتی ابلاغ می‌کرد هر یک از نظامیان که در هنگام عبور از آن منطقه به مردم تعدی کرد بلافاصله با او برخورد کنید و مجازاتش نمایید: «فنکلوا من تناول منهم شیئا ظلما» (نامه ۶۰) ۴- آنها که روحیه نظامی گری داشتند، دائماً به حضرت اعتراض میکردند: که چرا زودتر دست بکار جنگ نمی‌شود، مگر از دشمنان می‌ترسد؟! (خطبه ۵۵) آنان حتی اصرار داشتند که امام در مهلت مقرر شده برای مذاکره هم صبر نکند و حرکت را شروع کند ولی حضرت حاضر نبود در اثر پیش دستی همه راهها را ببندد: «ان استعدادی لحرب اهل الشام و جریر عندهم اغلاق للشام» (خطبه ۴۳) ۵- نظامی گری که دست یابی به پیروزی نظامی را از هر ارزش اخلاقی بالاتر میداند، صحنه جنگ را استثناء بر قواعد اخلاقی دانسته و در برابر دشمن هر کاری را مباح می‌شمارد ولی امام (ع) به سربازانش دستور میداد که فراریان را به آتش نیندند و متعرض مجروحان نشوید: «فلاتقتلوا مدبراً و لا تجهزوا علی حریبه» (نامه ۱۴) ۶- از نظر امیرالمومنین شرایط جنگ و درگیری بر دشمن نباید بهانه برای ایجاد خفقان در جامعه باشد. او مفصل ترین سخنرانی اش درباره "حقوق رعیت" را در "صفین" ایراد کرد و در آن سرزمین آتش و خون و در آن شرایط حضور دشمن، بر حقوق مردم تاکید نمود و از آنان خواست که شناوانی مرا کنار بگذارید و بشیوه جباران با من سخن مگویید و از گفتن حق دریغ نکنید (خطبه ۲۱۴) ولی در نزد نظامی گرایان در آن شرایط حساس، مردم را به اطاعت محض باید فراخواند و زبانها را باید در کام حبس کرد. ۷- نظامی گرایان با پیش آمد حوادث تلخ، فوراً فضای جامعه را امنیتی میکنند و بلافاصله به دستگیری و برپا کردن چوبه‌های دار مبادرت میکنند. میگویند باید شبکه اخلاگران را کشف کرد و از ریشه خشکاند. ولی امیرالمومنین پس از ترور خویش دعوت به عفو میکند: «فالعفو لی مزیه و هو لکم حسنه» (نامه ۲۳) و از همه خویشان میخواهد که مبادا با شعار "وای علی کشته شد" صحنه انتقام و خونریزی بوجود آورند. (نامه ۴۷) ۸- علی(ع) مرد میدان مبارزه بود و هرگز در برابر ظلم و بیداد تسلیم نمیشد ولی او از ادبیات متعارف نظامیان نفرت داشت لذا به استاندار و فرمانده ارشدش فرمود مبادا با مردم تحکم آمیز سخن بگویید: «لاتقولن انی امر» (عهدنامه مالک) علی (ع) با فرهنگ "رهبرپرستی" که نظامی گرایان ترویج میکردند مقابله میکرد و . . . او نشان داد که در مکتب اسلام نظامی کیست؟ او اشکار ساخت در نظام اسلامی: نظامی، آری ولی نظامی گری، هرگز! ***** لینک گزارش خبرگزاری شفقتنا از این سخنرانی

تاریخ انتشار: 2018-06-08 07:51:38 | شناسه مطلب: 417